

دو گانگی

آنگونه که زرتشت در گاتاها گفته

فریبرز رهنمون

بنادرست از زرتشت چهره ای انگاشته شده که او پند و اندرز دو گانگی میداده. از یک سو میگویند او یکتا شناسی را به جهان آورده و از سوی دیگر میگویند که او گفته «اهورا مزدا» تنها خوبی را آفریننده. پس آفریننده ی بدیها اهریمن است.

در جهان از گفتار زرتشت برداشت و باوری نادرست پدیدار گشته و آموزشهای او در سرودهای گاتاها به بیش از پنجاه گونه برگردان و یا گزارش گردیده تا جایی که دوتای از آنها با هم همسان و هم مانند نیستند. در میان این همه نوشته ها که درباره گاتاها و زرتشت نوشته شده شاید تنها بتوان نیچه، نویسنده ی «چنین گفت زرتشت» را ستود، چون او تنها کسی است که بدون نام بردن از گاتاها اندیشه خود را در پوشش اندیشه زرتشت بجهان نمودار ساخته.

خاستگاه چنین کژ فهمی ها از گاتاها و سخنان زرتشت از چیست؟ زرتشت در سرودهای خود گاتاها، از فرجامین راستی سخن گفته. او از گوهر هستی همانگونه که در جهان هستی و طبیعت دیده می شود آگاه شده. او به

ایران زمین

خرد و دانش در آفرینش پی برده و آنچه بدینگونه از جهان هستی دریافته بگونه ای روشن در سرودهای خود گاتاها باز تاب نموده است. حقیقت و یا آنچه که در جهان با بینش درست دیده می شود با آنچه که مردم بآن باور دارند سازگار و هم آهنگ نیست. در باورهای دینی در بسیاری از جاها به دانائی و جهان دانش با شک و بدگمانی مینگرند. در همه دینهای بزرگ گفته شده که چگونه آدم و حوا از بهشت رانده شده اند، چون از درخت دانائی خوردند.

تاریخ نشان میدهد، زمانیکه در امپراتوری ایران، آموزشهای نهادین زرتشت بکار بسته و پی گیری می شد، نه تنها پیروانش در کارهایشان پیروز بودند بلکه دیگر مردمان و فرهنگها که با ایرانیان در پیوند نزدیک بودند نیز بهره های نیک میگرفتند. در آن زمانها بود که جهان شهریگری به پیشرفت چشمگیری دست یافت و به دوران تازه ای از تمدن گام گذاشت و چند خدایی در رده دوم جای گرفت. فلسفه و دانش بگونه ای آزاد و دامنه دار مورد گفتگو بود، اگرچه فیلسوفانی چون سُکرات (سقراط) بانگیزه ی دگراندیشی کشته شدند. شوربختانه زمانی که باورهای بی چون و چرای دینی جایگزین خرد می شود، فهم آموزشهای زرتشت بدشواری میگراید و دوستداران ناآگاه او کوشش میکنند که آموزشهای او را با باورهای همگانی سازگار و هم آهنگ سازند و در اینجاست که از دیرینگی زبان و دستور ناشناخته زبان اوستائی سخن بمیان میآورند و واژه ها را بگونه ای دلخواه کنار هم میگذارند تا فرازی بسازند که معنی آن با باورهای خود همساز و همخوان باشد و اینجاست که از گاتاها برگردانهای گوناگون می بینیم که هریک داستان ویژه ی خود را دارد.

ایران زمین

یکی از بندهای سرودهای گاتایی که گاهی بسود دوگانگی و گاهی همیستار و ضد دوگانگی بمیان گذاشته شده و در باره آن گفتگو می کنند یسنا _ هات ۳۰ میباشد. بیائید با هم به نخستین فراز این هات (۳۰:۱) بزبان اوستائی آن نگاه کنیم.

ات تا وخشیا ایشنتو یا مزداتا

با اینکه واژه اوستائی «دو» در یسنات ۳۰:۱ دیده نمی شود، بفارسی امروز اینگونه برگردان شده،

«اکنون سخن میگویم برای خواستاران از این دو پدیده بزرگ»

باز بیائید باهم به فرار سوم از هات ۳۰:۲ نگاه کنیم.

اوانتا سوچا منگها اَوَر اَنائو ویچی تَها

که بفارسی امروز چنین برگردان شده.

«بنگرید باندیشه روشن بین دو راه»

اینجا هم باز واژه اوستائی «دو» در یسنا هات ۳۰:۲ دیده نمیشود.

«(برگردان فارسی از کتاب موبد فیروزاذرکشب)

در زیر واژه های اوستائی که در هات ۳۰ دیده میشود و به «دو» برگردان شده گزارش می شود.

ایران زمین

هات	واژه اوستائی	معنی فارسی	از ۱۹ برگردان گاتها
			شماری که واژه «دو»
			در آن بکار برده نشده
(۲)ـ(۳۰:۱)	ات	از این دو	۹
(۷)ـ(۳۰:۲)	اَوَر_ اَن او	دو راه	۱۳
(۱۵)ـ(۳۰:۳)	هی	این دو	۱۰
(۱۸)ـ(۳۰:۳)	اَ اُس	از این دو	۷
(۶)ـ(۳۰:۴)	مَینِیو	دو روان	۲
(۲)ـ(۳۰:۵)	مَنی وَاثو	دو روان	۱
(۱)ـ(۳۰:۶)	اَیا تُو	از این دو	۳

واژه های بالا در ۱۹ برگردان گاتها بررسی شده که برخی «دو» بکار برده اند و برخی بکار نبرده اند. شمار پژوهشگرانی که واژه «دو» را بکار نبرده اند، نمودار بالا نشان میدهد. همچنین شماری از پژوهشگران واژه «مینيو» را روان و برخی دیگر آنرا اندیشه نامیده اند.

بنابر این، گفتگوی ما این است چرا برخی از پژوهشگران در برگردان گاتها هرکجا که شده «دو» را افزوده اند و چرا مَینِیو را در برخی جاها به روان برگردان کرده اند. دستکم دو چیز خیلی روشن در این کار دست داشته یکی که از دیگری چشمگیرتر است، این است که در نوشته های پهلوی از دوگانگی گفتگو شده، دو گانگی میان «اهورامزدا، و، اهریمن».

ایران زمین

در بندهشن، بخش ۱:۳ چنین میخوانیم:

« فاش سازی و آشکار نمودن هر دو روان با هم است، یکی آن روانی که از زمان بیکران جدا است (مستقل)، زیرا اُورمَزَد و مکان، دین و زمان از آن اُورمَزَد بوده، هست و خواهد بود، در حالیکه اهریمن در تاریکی، با فهم پس رو و نادرست و آرزوی خرابکاری، در مغاک بی پایان، جائی که آنرا تاریکی بیکران نامند و میان آنها فضائی تهی بوده که آنرا «هوا» گویند و در آنجا (آن دو) اکنون بهم میرسند.»

خاستگاه این دستاورد و آشفتگی، رخنه ی فلسفه دینهای دیگر در دین زرتشتی زمانی که زرتشتیان سخت ناتوان و آسیب پذیر بودند میباشد. در دینهای دیگر خداوند پیش آدمی میرفت و آدمی نمیتوانست بسوی خداوند برود. خداوند تنها بر مردمی پدیدار می شد که خودش میخواست و آنهم در کوهستان و در تنهائی در حالیکه خدای زرتشت، خدائی بوده که هرکس میخواست میتوانست خود را باو برساند و هیچگونه پای بندی برای نزدیک شدن بخدا دیده نمی شود و اگر آدمی قانون جاودانی اش را که بر پایه های استوار «امشاسپنتا» گذاشته شده است پی گیری نماید به شناخت پروردگار خود دست مییابد.

گزارش فکر و اندیشه بنیادین زرتشت و آموزشهای او، پیش از آنکه دگرگون شود و به سیمای کنونی در آید، روشنگر همه چیزهاست. رهنمود جاودانی امشاسپندان نمودار پیشرفت گام بگام بسوی رسائی است و از وهومن بمعنی سود جستن نیک از خرد و اندیشه آغاز می شود و به رسائی و رسیدن به اهورا مزدا و با او پایان میرسد. روند پیشرفت جهان و هرآنچه در اوست بر

ایران زمین

پایه بنیادین قانون اشا ویا هنجار هستی پایه گذاری شده است و در جهان هستی این روند، گام بگام و همیشه در حال گسترش است. این قانون جاودانی، گرچه آدمیان بخوبی آنرا نمی شناسند، همیشه درجهان هستی و طبیعت دنبال می شود.

اکنون بگونه ای گذرا، امشاسپندان را، همانگونه که زرتشتیان در کهن روزگار بآن پی برده بودند، گزارش میکنیم.

۱- خرد در بالاترین گنجایش باید در راه دُرست بکار برده شود.

وهومنا-خرد نیک.

۲- با بکار بردن خرد و با بیشترین توان در راه درست میتوان به هنجار هستی و قانون طبیعت پی برد و فرآیند آن دانائی و یابش رازهای نهفته جهان هستی و طبیعت است - اشا وهیشتا- والاترین راستیها

۳- با بدست آوردن دانش و بازیابی رازهای نهفته میتوانیم آیین های خوب و برست های (قانونهای) نیکو بسازیم و فرآوردهای بهتر فراهم نموده و راهنما و کمک کار مردم باشیم - خَش اتر ویریا- شهریاری نیک

۴- دستاورد خَش اتر ویریا، راستی و درستی، برپا سازی همبودگاه درست کردار و ساختن بهشت (فردوس) در این جهان است، که مردم در آن زندگانی هم آهنگ و همخوان، هم با خود و هم با جهان هستی داشته باشند. جایی که در

ایران زمین

آن جنگ، بیماری، دروغ، آلودگی، ترس و نگرانی نخواهد بود. سپنتا آرمیتی - خواسته ی درست.

۵- در این همبودگاه درست کردار، خرد و هوش آدمی افزایش یافته. تن او توانمند و روان او به والائی میگراید و دستاورد اینها رسائی روان است که در هر پیشه و هنر پدیدار میگردد. هورواتاتا- رسایی

۶- رسائی، پایگاهی در اندیشه و فکر و هوش و زندگی آدمی میسازد که آزاد از ترس و نگرانی است. آزاد از ترس مُردن (زمان) و نیستی (جا) هرچیز ناشناخته دیگر. در این مرحله از زندگی، آدمی دیگر دنبال خواستهای مادی نیست بلکه در اندیشه ای است که در آن دیگر زمان و مکان، مرگ و نیستی پایگاهی ندارد. امرتات - دور از ترس زمان و جا (مرگ و نیستی).

۷- با رسیدن به رسائی و از دست دادن ترس و نگرانی، آدمی خرد در آفرینش را در مییابد و با آن یکی میشود. خرد در آفرینش (مزدا اهورا)، آن نیروی بزرگ، آن دانش زندگی و کارآمد و سازنده، آن نیروی فراگیر و گسترده که زنجیره ی جهان هستی را به کنش و واکنش وا میدارد و آدمی را به شناخت آفریدگار این خرد، اهورا مزدا میرساند. (خد - آ)

اکنون که این معنی بنیادین «امشاسپنتا» دگرگون شده و بنام «بیمرگان جاویدان» و ایزدان، فروزه های اهورا مزدا و همکاران او شخصیت پیدا نموده

ایران زمین

اند، داستان امشاسپندان سیمای دیگری یافته و «اورمزد» در خط ایزدان، باید در رده نخست جای گیرد. چون اگر نام خدا را در پایان رده ایزدان بگذاریم، به پایگاه والای خدایی، ناسپاسی شده. با آوردن نام «اهورا مزدا» پیش از نام ایزدان، او در برابر «اهری منه» که در برابر «وهو منه» بوده، جای گرفته. در اینجاست که «اهری منه» که بمعنی اندیشه بد بود شخصیت یافته و در سیمای موجودی توانمند با شاخ و دم و نیزه در دست، شناخته شده که در برابر خداوند، بمبارزه با او برخاسته است و دوگانگی از اینجا سرچشمه گرفته و خداوند با همه توانمندیش نمیتواند اهریمن را از میان بردارد، پس با او از در سازش در می آید تا با هم جهان را اداره نمایند!

به بخش ۱:۱۳ از نسک بجا مانده ی بندهشن نگاه کنید که چه میگوید!
« پس اورمزد، از آنجائیکه میدانست راه به کجا می انجامد، بیدار اهریمن شتافت و باو پیشنهاد آشتی و سازش داد و به گفتگو پرداخت و گفت: ای روان بد و زیان بار به آفریده های من یاری برسان و آنها را ستایش کن، پاداش تو در اینکار این است که تو و آفریده های توجاودانی شده و از تباهی، گرسنگی و تشنگی آزاد خواهندشد...»

بتازگی «امشا سپنتا» را بنامه فروزه های «اهورا مزدا» گزارش نموده اند با اینکار «پیکری» برای خداوند تراشیده اند، در حالیکه زرتشت هیچگاه چنین فروزه نمایی از اهورا مزدا نداشته. او هیچگاه از خداوند سیمایی بنمایش نگزارد. او میدانست اگر فروزه ای برای خدا بشناسد، از نظر فکری و روانی باو سیما و پیکر بخشیده. خدایان بابلی ها دارای فروزه های بسیار بودند. اگر

ایران زمین

در جنگی، دشمن را شکست میدادند ویژگی های خدای شکست خوردگان را به خدای خود میافزودند. میگویند «مردوخ» خدای بابل دارای ۵۱ فروزه بوده است.

آنچه که در بالا آورده شد یکی از خاستگاههای دوگانگی است. ولی دستاویز دیگر بر دوگانگی، بکار بردن «دو» در برگردانها و نوشته هاست. در گاتاها واژه ها از نظر دستوری، بگونه ای بکار رفته که چند (جمع) را میرساند که میتوان از آن معنی «دو» هم فهمید. برای نمونه بجای اینکه بگوئیم «میان راهها» که معنی چند راه را میدهد، میگویند «میان دو راه». اگر در برگردان گاتاها اندیشه و برداشت خود را بآن نیفزائیم و گاتاها را واژه به واژه برگردان کنیم یسنا ۱:۳۰ و ۲:۳۰ بفارسی چنین میشود

اکنون از اینها سخن میگویم برای آنهایی که خواستارند
از گوهرهای دانش که دانایان در جستجوی آنها هستند
و بآنها گوهرهای آفرینش میگویند و آفرینش والای خرد
(از) نیروی فراگیر اشا
(تا) براستی راههای بیشتر و بهتری آشکار سازیم ،
بسوی رسائی

زرتشت . گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۱) (ف ر)

گوش دهید با گوش های خود

به حقایق (راستیهای) والا

ایران زمین

بنگرید با بینش روشن
میان راهها، پیش از آنکه برگزینید،
فرد فرد برای خویش تن
پیش از آنکه بزرگی پیام را
بدرستی گسترش دهند بفهمند آنرا

زرتشت . گاتاها یسنا هات ۳۰ بند ۲ (ف ر)

زمانی که گاتاها واژه به واژه و درست برگردان شود. چیزی که نشان دوگانگی باشد در گفته های زرتشت دیده نمی شود. اگر در جایی زرتشت از دو گانگی گفتگو میکند، دوگانگی در منش یا مننه یا اندیشه هاست.

و این گوهرها در آغاز
بگونه ی همیستار پدیدار شدند
در اندیشه در گفتار و نیز
در کردار و اینها خوب و بد بودند
و از اینها دانایان

بدرستی برگزیدند و نه اینگونه کردند نادانان

زرتشت -گاتاها- یسنا هات ۳۰ بند ۳ (ف ر)

این منش و اندیشه آدمی است که در یک دم میتواند
خوب یا بد باشد وهو_منه و اهری_منه. آنچه که زرتشت از ما
میخواهد، این است که این را بخوبی بفهمیم و خرد و منش خود را در راه بد
بکار نبندیم. زرتشت میخواهد همیشه براه « پرتوان راستی » بنگریم و گذرگاه
آن را دریابیم و برساییم برسیم. زرتشت در گاتاها هات ۲۸:۳ میگوید

ایران زمین

براستی ، دانایی (که)
از اندیشه و خرد سرچشمه گرفته ،
که پیش از این هرگز شناخته نشده بود
میان دانایان و در هستی ،
از آن است که راهنمایی (قانون) خوب پدید میآید
که هرگز بکاستی نمی‌رود
و جامعه ای راستین پدیدار میگردد
(و) ما را بسوی رسایی راهنمایی میکند
زرتشت . گاتاها یسنا هات ۲۸ بند ۳ (ف ر)

«اهری-منه» نیروی همیستار و ضد «اهورا-مزدا» نبوده و در برابر او جایگاهی ندارد. او نیروی منفی و کاهنده در منش و اندیشه آدمی است. خرد خود را در راه نیک بکار بندید (وهو-منه) تا برسایی دست یابید و شادی و دلخوشی به خود، خویشان و همسایگان‌تان ارمغان دارید. شوربختانه پیشرفت همبودگاها و جوامع آدمیان در کره زمین، در راه نادرست بوده و بجای بکار بردن وهو-منه و رسیدن به رسائی، تلاش داریم از سنگ نان بسازیم و دارایی و مال بیاندوزیم.

آنچه که شایان و برجسته است و باید بدانیم این است که آماج زندگی را در کره زمین دریابیم که زرتشت آنرا در رسیدن به رسائی و دست یافتن به خرد در آفرینش و یکی شدن با آفریدگار خرد، اهورا مزدا، میداند.

ایران زمین

به این بند از گاتاها _ هات ۲۸:۲ بنگریم.

بیگمان بدست می آورم
خرد در آفرینش (را)
از راه بکار بردن درست اندیشه
من باید بر همه آنها چیره باشم
خواه در جهان مادی خواه در جهان اندیشه
از راه دانش بدست آورم
رسائی که در آرزوی ماست .

زرتشت . گاتا یسنا هات ۲۸ بند (ف ر)

زرتشت راه ساختن پردیس را در این جهان بما نشان
داده است ولی شوربختانه همبودگاه سرگرم آن است که زرتشت را نمایانگر
دوگانگی بشناساند.
